

موارد زندان در اسلام

علی سعیدی*

استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام‌نور

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۹/۱۸ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۶/۱۸)

چکیده:

در اسلام هر کس با علم و عمد یکی از واجبات را ترک کند و یا یکی از محرمات را انجام دهد، گناهکار است و باید مجازات شود و زندان یکی از مقررات کیفری در نظام حقوقی اسلام است که برای افراد بزهکار در نظر گرفته شده است. در اسلام سه نوع زندان برای افراد وجود دارد که عبارتند از: ۱- زندان گاهی اوقات به عنوان حد است؛ ۲- زندان گاهی اوقات به عنوان تعزیر است؛ ۳- زندان گاهی اوقات نه حد است و نه تعزیر بلکه زندان اقامتی احتیاطی برای عدم تضييع حقوق ديگران است. در این مقاله سعی شده است با اختصاص بخشی از پژوهش به مفاهیم و تعاریف حد و تعزیر و زندان، همراه با ارائه دلایل محکم روایی و فقهی، موارد زندان در اسلام بررسی و تحقیق شود.

واژگان کلیدی:

مجازات اسلامی، موارد، زندان، حد، تعزیر.

طرح مسأله

انسان موجودی اجتماعی و مدنی بالطبع است. انسانها چون تمایلاتی بسیار متنوع دارند بعضی از آنان برای رسیدن به تمنیات خود به حقوق و حریم دیگران تجاوز می‌کنند. در نظامهای حقوقی جهان در پاره‌ای از موارد برای افراد بزه‌کار، مجازات زندان وجود دارد. سؤال این است آیا در نظام حقوقی اسلام، اشخاص تبه‌کار و مجرم زندانی می‌شوند؟ و اگر پاسخ مثبت است، موارد زندان در اسلام چیست؟ مقاله حاضر پژوهشی در پاسخ به دو مسأله مزبور همراه با دلایل روایی و فقهی است.

وجوب مجازات در اسلام

در شریعت اسلام احکام بر پنج قسم است: واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح و هر کس با علم و عمد یکی از واجبات را ترک کند و یا یکی از محرمات را انجام دهد از نظر شرعی گناهکار است و باید مجازات^۱ شود. مجازات اسلامی^۲ عبارتند از حدود و تعزیرات، دیات، قصاص و کفارات. در اسلام در بعضی موارد برای کیفر و عقوبت عمل مجرم، زندان در نظر گرفته شده است که در این مقاله آنها به تفصیل بیان می‌شوند.

تعریف مفاهیم

حد در لغت به معنای فصل و منع است (فیومی، ۱۴۱۴ق. ص ۱۲۵) و در شرع کیفری است که از طرف شارع مقدس کم و کیف آن به طور کامل معین شده و حق الله است و کسی نمی‌تواند آن را کم و زیاد کند و قابل عفو و شفاعت نبوده و از جانب فردی یا گروهی قابل استقاط نیست (دانش، ۱۳۶۸، ص ۴۳). حد بر چند قسم است: گاهی حد جرم، قتل است مانند زنا با محارم، گاهی حد آن، یکصد تازیانه است مانند زنا غیر محصنه، گاهی حد آن، زندان ابد است مانند ارتداد زن مسلمانی، گاهی حد آن، قطع دست است مانند سرقت از حرز و گاهی حد آن سنگسار است مانند زنا محصنه. تعزیر در لغت از اضرار است و معانی گوناگون دارد مانند منع، رد، تعظیم، لوم، نصر و ضرب دون الحد (طائی، ۱۳۸۱، ص ۱۴) و در اصطلاح شرعی، عقوبت یا اهانتی است که غالباً در شرع مقدار آن معین نشده است (شهید ثانی، ۱۴۱۹ق. ج ۱۴، ص ۳۳۶) و

۱. حر عاملی در موسوعه حدیثی خود بابتی تحت عنوان «باب ان کل من خالف الشرع فعلیه حد او تعزیر» آورده است و در آن پنج روایت ذکر نموده است (حرعاملی، ۱۴۰۳ق. ج ۱۸، ص ۳۰۹).

۲. احکام کیفری که شارع مقدس اسلام برای گناهکاران معین نموده است. حقوق جزای اسلامی نامیده می‌شود.

تعیین کم و کیف آن در اختیار حاکم مسلمین است، و هدف کلی از تعزیرات، تنبیه و تأدیب و اصلاح مجرم است.

زندان در زبان فارسی به جایی گفته می‌شود که متهمان و محکومان را در آنجا نگاه می‌دارند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۱۲۹۶۱) و در کتاب و سنت از زندان به الفاظ سجن، حبس^۱، ایقاف، امساک و حصر تعبیر شده است و حبس در لغت عرب به معنای منع و جلوگیری است و حبس در مقابل تخلیه به معنای آزادی است. حبس ضد آزادی است. به شخصی که در حبس قرار می‌گیرد محبوس و به مکانی که زندانی در آن جا نگهداری می‌شود محبس گویند (ابن منظور، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۹). زندان (حبس) در اصطلاح فقهاء همان معنای لغوی دارد و بعضی از علماء گفته‌اند: زندان عبارت است از سلب آزادی فرد مجرم و جلوگیری از تصرفات دلخواهانه او به وسیله نگهداریش در یک مکانی (سبحانی، ۱۴۰۱ق، ص ۴۶۲).

انواع زندان

آنچه که از تتبع نصوص اسلامی و فتاوی فقهای مسلمین به دست می‌آید، می‌توان گفت که زندان بر سه نوع است:

- ۱- زندان گاهی اوقات، حلاً است مثل حبس کسی که امر به کشتن کسی کند؛
 - ۲- زندان گاهی اوقات، تعزیر است مانند حبس ممتنع از اداء دین خود و بیشتر موارد زندان از این نوع است؛
 - ۳- زندان گاهی اوقات نه حلاً است و نه تعزیر مثل حبس متهم برای روشن شدن وضعیت او که از آن به حبس احتیاطی تعبیر می‌شود، حبس متهم یک اقدام احتیاطی است که نتواند حیثاً بگریزد و یا در عمل تحقیق، اثر بگذرد.
- مواردی که در این مقاله بیان می‌شود شامل هر سه نوع زندان می‌شود. هم چنین زندان از حیث امور مالی و جزایی و غیره دارای اقسامی است که آنها در این پژوهش مبسوطاً مورد بررسی قرار می‌گیرند.

زندان در امور مالی

مواردی که در امور مالی، زندان وجود دارد عبارتند از:

- ۱- بدهکار متمول که بدهی خود را نپردازد زندانی می‌شود زیرا (کلینی، ۱۳۹۱ق، ج ۵، ص ۱۰۲) به اسناد موثق از عمار از امام صادق (ع) نقل قول کرده است که فرمود: کان امیرالمؤمنین

۱. کلمه حبس (زندان) در مواد مختلف قانون مجازات اسلامی آمده است.

«صلوات الله عليه» يحبس الرجل اذا التوى على غرمانه ثم يأمر فيقسم ماله بينهم بالحصص فان أبا باعه فيقسم يعني ماله.

امیرالمؤمنین (ع) مردی را که در پرداخت بدهی خود به طلبکارانش سستی می‌ورزید زندانی می‌کرد سپس دستور می‌داد مال خود را میان آنان نسبت به طلبشان تقسیم کند و اگر خوداری می‌کرد مال او را می‌فروخت و تقسیم می‌کرد. فقهاء امامیه طبق مضمون این خبر فتوی داده‌اند و علاوه بر نص در حکم این مسأله ادعای اجماع شده است (موسوی سبزواری، ۱۴۱۶ق، ج ۲۷، ص ۸۶)؛

۲- بدهکاری که مدعی نداری و ورشکستگی است زندانی می‌شود تا وضعیت آن روشن شود و در این باره چند روایت دلالت دارد از جمله:

حرعاملی به استناد مؤثق از غیاث بن ابراهیم از امام جعفر صادق (ع) از پدرش روایت کرده است که فرمود: انّ علیاً (ع) کان یحبس فی الدین فاذا تبین له حاجة و افلاس خلی سبيله حتی یستفید مالاً (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳، ص ۱۴۸). امیرالمؤمنین (ع) مرد را برای بدهی زندانی می‌کرد و هرگاه فقر و افلاسش آشکار می‌شد او را رها می‌کرد تا مالی را کسب کند.

فقهاء امامیه طبق مضمون این روایت و امثالش فتوی داده‌اند (سید طباطبائی، بی تا، ج ۲، ص ۳۹۶).

۳- کسی که مال دیگری را غصب کند زندانی می‌شود.

۴- کسی که مال یتیم را به ستم بخورد زندانی می‌شود.

۵- کسی که در امانت خیانت کند زندانی می‌شود زیرا (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۱۸۱) به استناد صحیح از زراره از امام محمد باقر (ع) روایت کرده است که گفت: کان علی (ع) لایحبس فی الدین الاثلاثه: الغاصب و من اکل مال الیتیم ظلماً و من ائتمن علی امانه فذهب بها و ان وجد له شیئاً باعه غائباً کان او شاهداً، امیرالمؤمنین (ع) زندانی نمی‌کرد مگر سه نفر را: غاصب و کسی که مال یتیم را ظلماً خورده بود و شخصی که بر امانتی گمارده شده بود و آن را از بین برده بود. امام (ع) اگر به مالی از او دست می‌یافت آن را می‌فروخت چه مالکش حاضر بود و چه غائب (البته حصر مزبور در روایت، حصر اضافی است نه حقیقی زیرا برای امور دیگر، افراد خاطی زندانی می‌شوند). (سید گلپایگانی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۲۰۹) طبق مضمون این خبر فتوی داده است.

زندان در امور زناشویی

موارد حبس در امور زناشویی عبارتند از:

۱- مردی که زنش را ایلاء^۱ کند و از بازگشتن به امر زناشوئی یا طلاق سرباز زند زندانی می شود زیرا در این باره چند حدیث دلالت دارد، از جمله: (کلینی، ۱۳۹۱، ج ۶، ص ۱۳۳) به اسناد خود از حماد بن عثمان از امام جعفر صادق (ع) روایت کرده است که فرمود: فی المولی اذا بی ان یطلق قال: کان امیر المؤمنین (ع) یجعل له حظیره من قصب و یحبسه فیها و یمنعه من الطعام و الشراب حتی یطلق. ایلاء کننده هنگامی که از اطلاق دادن زن، خودداری می کرد امیر المؤمنین (ع) برای او زندانی از نی می ساخت و او را زندانی می کرد و از خوردن و آشامیدن باز می داشت تا اینکه زنش را طلاق دهد. همچنین (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۵، ص ۵۴۱) به اسناد خود از ابوبصیر از امام صادق (ع) روایت کرده است که فرمود: الایلاء هو ان یحلف الرجل علی امرأته الایجامعها فان صبرت علیه فلها ان تصبر فان رفعت الی الامام انظره اربعه اشهر ثم یقول له بعد ذلک اما ان ترجع الی المناکحه و اما ان تطلق فان ابی حبسه ابدًا، ایلاء عبارت است از این که مرد سوگند یاد کند که با زنش همبستر نشود و اگر زن بر عدم مقاربت صبر کرد که سخنی نیست اما اگر به امام مسلمین رجوع کرد او را چهار ماه مهلت می دهد و بعد از این مدت به او می گوید یا به سوی زوجهات برگردد و حق او را بده و یا او را طلاق بده و اگر هیچ کدام یک را انجام نداد برای همیشه او را زندانی^۲ می کند.

همچنین (بیهقی، ۱۳۵۲، ج ۷، ص ۳۷۶) به اسناد خود از عمرو بن سلمه بن حرب روایت کرده است که گفت: ان علیاً کان یوقف^۳ المولی بعد اربعه اشهر حتی یفیء او یطلق، علی (ع) ایلاء کننده را بعد از چهار ماه بازداشت می کرد برای اینکه یا به امر زناشوئی برگردد یا زنش را طلاق دهد. در حکم این مسأله بین فقهاء امامیه هیچ خلافتی نیست (محقق نجفی، بی تا، ج ۳۳، ص ۳۱۵).

۲- مردی که زنش راظهار^۴ کند و از بازگشتن به امور زناشوئی یا طلاق خودداری کند زندانی می شود تا یکی از دو امر را اختیار کند زیرا (شیخ طوسی، ۱۴۰۱، ج ۸، ص ۲۴) به اسناد خود از ابوبصیر حدیث کرده است که گفت: سألت ابا عبد الله (ع) عن رجل ظاهر من امرأته؟ قال ان اتاها فعلیه رقبه او صیام شهرین متتابعین او اطعام ستین مسکینا و الا ترک ثلاثه اشهر فان فاء و الا اوقف حتی یسأل الک حاجه فی امرأتک او تطلقها؟ فان فاء فلیس علیه شیء و هی امرأته

۱. ایلاء عبارت است از سوگند یاد کردن بر ترک مقاربت زوجه دائمی مدخول بها برای همیشه یا برای مدت بیشتر از چهار ماه به قصد اضرار به زن (امام خمینی بی تا، ج ۲، ص ۳۵۷).

۲. مراد از حبس ابد در روایت مذکور این است که مولی مادامی که از ترک مقاربت و یا عدم طلاق دست برندارد در زندان می ماند زیرا هیچ یک از فقهاء در حکم این مسأله قائل به حبس ابد نیستند.

۳. در این روایت از زندان (حبس) به ایقاف تعبیر شده است.

۴.ظهار آن است که مرد از روی شعور و اراده و عقل زن خود را تشبیه کند به پشت کسی که بر او حرام بوده است از راه نسب یا رضاع یا مصاهره مانند آن که بگوید «ظهرک کظهر امی یا انت علی کظهر امی یا اختی یا بتی» و این عمل حرام است و با شرایط خاصی در حکم طلاق است و در صورتی که بخواهد رجوع کند و از گفتار و اراده خویش برگردد باید کفاره بدهد (سجادی، ۱۳۴۴، ص ۲۶۰).

فان طلق واحده فهور املک بر جعتها. از امام صادق(ع) درباره مردی که زنش راظهار کرده است پرسیدم گفت: اگر برگشت باید یک بنده آزاد کند یا دو ماه پشت سر هم روزه بگیرد یا شصت نفر مسکین را طعام دهد و الا سه ماه رها می شود چنانچه بعد از این مدت برگشت؛ سخنی نیست و الا بازداشت می شود تا اینکه پرسیده شود آیا به همسرت احتیاج داری (کنایه از رجوع) و یا اینکه او را طلاق می دهی پس اگر برگشت بر او چیزی نیست و اگر او را طلاق داد باز می تواند به سوی او برگردد.

در این روایت از زندان (حبس) به ایقاف تعبیر شده است و دلالتش بر مدعی واضح است. (فاضل هندی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۶۴) علاوه بر خبر ابوبصیر در حکم این مسأله به اجماع نیز احتجاج کرده است.

زندان در امور جزایی

موارد حبس در امور جزایی عبارتند از:

۱- کسی که متهم به قتل شده است به مدت شش روز زندانی می شود زیرا (کلینی، ۱۳۹۱ق، ج ۷، ص ۳۷۰) به اسناد معتبر از علی بن ابراهیم از پدرش از نوفلی از سکونی از امام صادق(ع) روایت کرده است که فرمود: انّ النبی(ص) کان یحبس فی تهمه الدم سنه ایام فان جاء اولیاء المقتول ببینه و الا خلّی سبیله، سیره پیامبر بر این بود که برای اتهام به قتل، شخص متهم را شش روز زندانی می کرد اگر اولیاء مقتول بینه (دو مرد شاهد عادل) می آوردند مدعای آنان ثابت می شد و الا متهم رها می شد.

کثیری از فقها مانند (شیخ طوسی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۳۷۸)، (علامه حلی، بی تا، ج ۲، ص ۲۵۴)، (محقق خویی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۵۰) و (سید گلپایگانی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۰۹) و غیره به مضمون این روایت فتوی داده اند. عده ای قلیل از فقهاء مانند (شهید ثانی، بی تا، ج ۱۰، ص ۷۶) در ما نحن فیه فتوی به عدم حبس داده اند زیرا قائلند که روایت سکونی ضعیف است و اعتبار ندارد و حبس در این جا عقوبتی است که هنوز سببش ثابت نشده است. البته رأی این دسته از فقهاء پذیرفتنی نیست زیرا روایت سکونی معتبر است چون که در نزد علمای علم رجال، وثاقت هر یک از راویان این خبر به توثیق عام و یا توثیق خاص ثابت شده است. از جمله محقق خویی که خود یک عالم رجالی است، قائل به اعتبار روایت سکونی است و طبق مضمون آن فتوی داده است و زندان در باب اتهام به قتل اقدامی احتیاطی برای عدم تضييع حق اولیاء مقتول است و در هنگام تزاحم و دوران امر بین اھم و مهم، اھم مقدم است و حبس متهم به قتل، امر اھم است.

علاوه بر پیامبر(ص) امیرالمؤمنین نیز برای اتهام به قتل افراد را زندانی می کرد مثلاً (کلینی، ۱۳۹۱ق، ج ۷، ص ۳۷۱) به اسناد خود از ابوبصیر از امام باقر(ع) روایت کرده است که فرمود یک

جوانی به امیرالمؤمنین (ع) از چند نفر شکایت کرد که پدرش را به مسافرت بردند و هنگام برگشتن او را نیاوردند و گفتند او در مسافرت مرد و هیچ مالی هم از خود به جای نگذاشت امیرالمؤمنین آنان را احضار کرد و سپس پراکنده کرد و از یکی آنان درباره مرد همراهشان پرسید، او مدعی مرگش شد و به قتلش اقرار نکرد، امیرالمؤمنین دستور داد سر و روی او را بیوشانند و به زندان ببرند سپس از دیگر متهمان به حالت انفرادی سؤال کرد (حدیث طولانی است) هم چنین روایات دیگر دلالت دارند که پیامبر اکرم (ص) افراد متهم را زندانی می‌کرد مانند:

الف: (بیهقی، ۱۳۵۲، ج ۶، ص ۵۳) به اسناد خود از بهز بن حکیم بن معاویه از جدش روایت کرد که گفت: انّ النبی (ص) حبس رجلاً فی تهمه من نهار ثمّ خلّی عنه، پیامبر اسلام (ص) مردی را برای اتهام یک ساعت از روز زندانی و سپس او را رها کرد.

ب: (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۱۱۵) به اسنادش از ابوهریره نقل کرده است که گفت: انّ النبی (ص) حبس رجلاً فی تهمه یوماً و لیله استظهاراً و احتیاطاً، همانا پیامبر مردی را برای اتهام از باب احتیاط و روشن شدن وضعیتش یک شبانه‌روز زندانی کرد.

ج: (صنعانی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۲۱۶) مسنداً از عراق بن مالک نقل قول کرده است که گفت: اقبل رجلاً من بنی غفار حتی نزلوا بضجنان من میاه المدینه و عندها ناس من غطفان عند هم ظهر لهم فاصبح الغطفانیون قداضلوا قریبتین من ابلهم فاتهموا الغفاریین فاقبلوا بهما الی النبی (ص) و ذکروا له امرهم فحبس احد الغفاریین و قال للآخر: اذهب فالتمس فلم یکن الا یسیراً حتی جاء بهما ف دو نفر از قبیله بنی غفار، به سرزمین ضجنان که نزدیک مدینه بود و آب هم داشت آمدند در حالی که عده‌ای از قبیله غطفان با شترانشان در آنجا بودند که بعد از ورود آن دو نفر یک جفت شتر نر و ماده را گم کردند و آنان دو غفاری را به دزدی متهم کردند و آنها را پیش پیامبر بردند و قصه را بیان کردند سپس پیامبر یکی از غفاریها را زندانی کرد و به دیگری گفت برو و جستجو کن و او رفت و بعد مدتی کم آن دو شتر را آورد.

پیامبر اسلام برای حفظ حقوق مردم، احتیاطاً افراد متهم را زندانی می‌کرد همانطور که ملاحظه شد طبق روایات وارده، رسول اکرم (ص) افراد را به اتهام قتل، حبس می‌فرمودند و در اتهامات دیگر، مقداری از روز را حبس می‌کردند، روش مزبور همان روش نیمه آزادی است که هم اکنون در کشورهای مترقی جهان اجرا می‌شود (دانش، ۱۳۳۸، ص ۱۴۵).

۲- کسی که قاتل را از دست اولیاء مقتول فراری دهد حبس می‌شود، بر این مدعا صحیحه حریز دلالت دارد، او از امام صادق (ع) روایت کرده است: سألته عن رجل قتل رجلاً عمداً فرغ الی الوالی فدفعه الوالی الی اولیاء المقتول لیقنوه فوثب علیه قوم فخلصوا القاتل من ایدی اولیاء قال اری ان یحبس الذین خلصوا القاتل من ایدی الاولیاء حتی یاتوا بالقاتل قیل: فان

مات القاتل و هم فی السجن؟ قال: ان مات فعليهم الديه يؤدونها الى اولياء المقتول، از آن حضرت درباره مردی پرسیدم که مرد دیگری را عمداً کشته است و او به نزد حاکم برده شد و حاکم قاتل را به اولیاء مقتول تسلیم کرد که برای قصاص او را بکشند، عده‌ای به آنان حمله کردند و قاتل را از دستشان رها کردند فرمود: رأیم این است کسانی که قاتل را از دست اولیاء مقتول فراری داده‌اند زندانی شوند تا این که قاتل را بیاورند، گفته شد اگر قاتل بمیرد در حالی که آنان در زندان هستند حکم چیست؟ امام(ع) فرمود: اگر قاتل بمیرد بر همه آنان واجب است که دیه مقتول را به اولیاءش بدهند(کلینی، ۱۳۹۱ق، ج ۷، ص ۲۸۶).

جماعتی از فقهاء مانند (محقق خوئی) (۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۵۵) و (سید گلپایگانی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۲۰۹) به مضمون این روایت فتوی داده‌اند.

۳- شارب الخمر در ماه رمضان، علاوه بر تحمل حد شراب و بیست ضربه تازیانه، یک شب زندانی می‌شود. در این باره (کلینی، ۱۳۹۷ق، ج ۷، ص ۲۱۷) از ابو مریم روایت کرده است که گفت: اتی امیر المؤمنین(ع) بالنجاشی الشاعر قد شرب الخمر فی شهر رمضان فضربه ثمانین ثم حبسه لیلة ثم دعی به من الغد فضربه عشرين سوياً فقال له: یا امیر المؤمنین: فقد ضربتني فی شرب الخمر و هذه العشرين ماهی؟ فقال: هذا لتجریک علی شرب الخمر فی شهر رمضان. امیر المؤمنین(ع) نجاشی شاعر را که در ماه رمضان شراب خورده بود ۸۰ تازیانه زد و آنگاه او را زندانی کرد و فردای آن ۲۰ تازیانه دیگر به او زد. نجاشی گفت: حد خمر را برای من جاری کردی، ۲۰ تازیانه دیگر برای چیست؟ امیر المؤمنین(ع) گفت: برای گستاخی و جسارتت در شرب خمر در ماه رمضان. این حدیث را (صنعانی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۳۸۲) به اسناد خود از امیر المؤمنین(ع) نقل کرده است.

۴- کسی که محکوم به حد یا قصاص است تا هنگام اجرای مجازات زندانی می‌شود در این مورد چند خبر است:

الف: حر عاملی به اسناد معتبر از ابوالبختری از امام صادق(ع) از پدرش روایت کرده است که فرمود: ان علی بن ابی طالب لما قتله ابن ملجم قال: احبسوا هذا الاسیر و اطعموه و احسنوا اساره فان عشت فانا اولی بما صنع بی: ان شئت استقدت و ان شئت عفوت و ان شئت صالحت و ان مت فذلک الیکم فان بدلکم ان تقتلوه فلا تمثلوابه(حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۹۶). علی بن ابی طالب(ع) هنگامی که ابن ملجم سرش را ضربه زد گفت: این اسیر را زندانی کنید و طعامش دهید و با او خوش رفتار باشید و اگر زنده ماندم خود سزاوارم به آنچه که با من انجام داده است اگر خواستم قصاص می‌کنم و اگر خواستم می‌بخشم و اگر خواستم مصالحه می‌کنم و اگر مردم امر به دست شما است و اگر او را کشتید مثله‌اش نکنید.

ب: ان رسول الله ردّ ماعز بن مالک ثلاث مراتّ حين اقرّ بالزنا ثم حبسه بعد الرابعة ثم رجمه (هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۴۱۰): پیامبر ماعز بن مالک را که سه مرتبه به زنا اقرار کرده بود برگردانید و بعد از اقرار چهارم زندانی کرد سپس او را سنگسار کرد.

ج: ان علیاً(ع) حبس امرأة من همدان حبلی بعد اربع مراتّ حين اقرّ بالزنا حتی وضعت ثم رجمها (هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۴۲۱): علی(ع) زن حامله‌ای که از قبیله همدان بود و چهار مرتبه به زنا اعتراف کرده بود زندانی کرد تا وضع حمل کرد سپس او را سنگسار کرد. این حدیث را (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۳۰) به سند صحیح از امام باقر روایت کرده است.

د: ان رسول الله امر بحبس یهود بنی قریظۀ لغدرهم و خیانتهم ثم ضرب اعناقهم (ابوغده، ۱۴۰۷ق، ص ۱۱۲)، پیامبر اسلام یهود بنی قریظه را برای فریب و خیانت‌کاری، زندانی کرد سپس گردن آنان را زد.

۵- کسی که موی سر زنی را بتراشد زندانی می‌شود زیرا (شیخ طوسی، ۱۴۰۱ق، ج ۱۰، ص ۲۶۲) به سند صحیح از عبدالله بن سنان روایت کرده است که گفت: قلت لابی عبدالله(ع): جعلت فداک ما علی رجل وثب علی امرأة فحلق رأسها قال: یضرب ضرباً وجیعاً و یحبس فی سجن المسلمین حتی یستبرأ شعرها فان نبت اخذ منه مهر نساها و ان لم ینبت اخذ منه الدیة كاملةً. به امام صادق(ع) عرض کردم فدایت شوم مردی که ناگاه بر زنی حمله کند و سرش را با تیغ بتراشد بر او چیست؟ حضرت فرمود: به شدت زده می‌شود و در زندان مسلمانان حبس می‌شود تا موی سر زن برآید و اگر مویش برآید. مهر المثل زنان قبیلۀ آن زن از او گرفته می‌شود و اگر مویش نرآید دیه کامل یک زن از او گرفته می‌شود.

۶- کسی که از غیر حرز دزدی کند علاوه بر تحمل کتک زندانی می‌شود و بر این مطلب روایت سکونی دلالت دارد زیرا او از امام صادق(ع) روایت کرده است که گفت: ان امیرالمؤمنین(ع) اتی برجل اختلس درة من اذن جاریة فقال: هذه الدغارة المعلنة فضربه و حبسه (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۵۰۳). مردی به محضر امیرالمؤمنین(ع) آورده شد که از گوش دختری گوشواره‌ای از جواهر بیرون آورده بود حضرت فرمود: این چپاول آشکار است سپس او را شلاق زد و زندانی کرد. (یحیی بن سعید حلّی، ۱۴۰۵ق، ص ۶۰۱) و (محمد باقر مجلسی، ۱۳۷۵، ص ۶۲) طبق این روایت فتوی داده‌اند.

۷- مرتد ملی برای توبه نکردن زندانی می‌شود. در این باره (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۵۵۴) به اسناد خود از عبدالله بن سنان از پدرش از امام باقر(ع) روایت نموده است که گفت: بعد از این که عبدالله بن سبأ مدعی نبوت شد و به الوهیت امیرالمؤمنین(ع) معتقد شد، امیرالمؤمنین(ع) به او فرمود: تب فابی فحبسه و استتا به ثلاثة ایام فلم یتب فاخرجه فاحرقه بالنار. توبه کن و او

امتناع کرد پس او را زندانی کرد و سه روز از او درخواست توبه کرد ولی نپذیرفت سپس امام(ع) او را از زندان بیرون آورد و به آتش سوزانید.

۸- کسی که به دروغ شهادت دهد زندانی می‌شود، در این باره (شیخ طوسی، ۱۴۰۱ق، ج ۶، ص ۲۸۰) به اسناد موثق از غیاث بن ابراهیم از امام صادق(ع) از پدرش روایت کرده است که فرمود: ان علیاً(ع) کان اذا اخذ شاهد زور فان کان غربیاً بعث به الی حیة و ان کان سوقیاً بعث به الی سوقه فطیف به ثم یحبسه ایاماً ثم یخلی سبیله. اگر کسی شهادت دروغ می‌داد امیرالمؤمنین(ع) در حالتی که اگر او اهل شهر دیگری بود او را به همان شهر می‌فرستاد و اگر مقیم بود او را به بازار می‌فرستاد و در بین مردم گردانیده می‌شد. و آنگاه او را چند روز زندانی می‌کرد و سپس آزاد می‌کرد. (سید گلپایگانی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۲۱۰) طبق این روایت فتوی داده است.

۹- حاکم مسلمین می‌تواند قاتل را بعد از عفو اولیاء مقتول زندانی کند زیرا (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۵۵) به اسناد موثق از فضیل بن یسار از امام باقر(ع) از حکم ده نفر که یک نفر را کشته‌اند پرسید گفت: ان شاء اولیائه قتلوهم جمیعاً و غرموا تسع دیات و ان شأوا ان یتخیروا رجلاً فیقتلوه وادی التسعة الباقون الی اهل المقتول الاخیر عشر الدیة کلّ رجل منهم قال: ثم انّ الوالی یلی ادبهم و حبسهم. اولیای مقتول اگر بخواهند می‌توانند همه را بکشند و دیه نه نفر را بپردازند و اگر بخواهند می‌توانند از بین آنها یکی را انتخاب کنند و بکشند و باید نه نفر باقی مانده هر کدام یک دهم دیه را به اولیاء کسی که قصاص شده بپردازند سپس حاکم آنها را تأدیب و زندانی کند.

امام خمینی(ره) در پاسخ به سئوالی قضایی همین گونه فتوی داده است(انصاری، ۱۳۸۵، ص ۳۱۷) و در قانون مجازات اسلامی نیز به این معنا تصریح شده است زیرا در ماده ۲۰۸ آن آمده است: هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و اقدام وی موجب اخلال در نظم جامعه یا خوف شده و یا بیم تجری مرتکب یا دیگران شود موجب حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال خواهد بود.

زندان ابد در امور جزائی

مواردی که در امور جزایی، حبس ابد^۱ وجود دارد عبارتند از:

۱- زن مسلمان هرگاه مرتد شود و بر این مطلب چندین روایت دلالت دارد از جمله:

(صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۵۰) به اسناد موثق از غیاث بن ابراهیم از امام صادق(ع) از پدرش از امام علی(ع) خبر داده است که فرمود: اذا ارتدت المرأة عن الاسلام لم تقتل ولكن تحبس ابدًا،

۱. ساوجی تصریح کرده که حبس ابد قسمی از حدود است (ساوجی، ۱۳۹۱ق، ص ۲۸۳).

هرگاه زن مسلمان از اسلام برگردد کشته نمی‌شود اما برای همیشه زندانی می‌شود همچنین (شیخ طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰، ص ۱۴۴) به اسناد موثق از عباد بن صهیب از امام جعفر صادق (ع) روایت کرده است که فرمود: المرءة یستتاب فان تاب و الا قتل قال و المرءة تستتاب فان تابت و الا حبست فی السجن و اضربها. مرد مرتد (ملی) به او توبه پیشنهاد می‌شود و اگر پذیرفت رها می‌شود وگرنه کشته می‌شود و زن مرتد توبه داده می‌شود پس اگر توبه کرد رها می‌شود و الا زندانی می‌شود و مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرد. طبق مضمون روایات مزبور، فقهای امامیه فتوی داده‌اند. (محقق نجفی، بی تا، ج ۴۱، ص ۶۱۱) در حکم این مسأله، علاوه بر نصوص به اجماع محصل و منقول نیز استدلال کرده است

۲- کسی که فرمان قتل شخصی را داده است حبس ابد می‌شود؛ زیرا (کلینی، ۱۳۹۱ق، ج ۷، ص ۲۸۵) به اسناد صحیح از زراره روایت نموده است که از امام محمد باقر (ع) پرسش شد: فی رجل امر رجلاً بقتل رجل فقتله؟ فقال: یقتل به الذی قتله و یحبس الأمر بقتله فی السجن حتی یموت. درباره مردی که مردی دیگر را به قتل مردی فرمان داد و او را کشت. حکمش چیست؟ فرمودند: قاتل کشته می‌شود و آمر به قتل زندانی می‌گردد تا اینکه بمیرد.

(شهید ثانی، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۷) بر حکم این مسأله علاوه بر صحیح زراره به اجماع نیز احتجاج کرده است.

۳- کسی که انسانی را برای قتل نگه دارد تا این که دیگری او را بکشد حبس ابد می‌شود و بر این مطلب چندین روایت دلالت دارد از جمله: (کلینی، ۱۳۹۱ق، ج ۷، ص ۲۸۷) به اسناد صحیح از حلبی از امام صادق (ع) روایت کرده است که گفت: قضی امیر المؤمنین (ع) فی رجلین امسک احد هما و قتل الآخر قال: یقتل القاتل و یحبس الآخر حتی یموت غمماً کما کان حبسه علیه حتی مات غمماً. امیر المؤمنین (ع) درباره دو مردی که یکی از آنان شخصی را نگه داشت و دیگری او را کشت قضاوت کرد به اینکه قاتل کشته می‌شود و ممسک زندانی می‌شود تا اینکه در حالت غم و اندوه بمیرد همانطوری که مقتول را نگه داشت تا در حالت ناراحتی مرد.

و همچنین (بیهقی، ۱۳۵۲ق، ج ۸، ص ۵۰) به اسناد متصل از اسماعیل بن امیه روایت کرده است که گفت: قضی رسول الله (ص) فی رجل امسک رجلاً و قتله الآخر فقال: یقتل القاتل و یحبس الممسک، پیامبر اکرم (ص) درباره مردی که مرد دیگر را نگه داشت و شخصی دیگر او را کشت قضاوت کرد به اینکه قاتل کشته شود و ممسک زندانی گردد. فقها طبق مضمون اخبار مذکور فتوی داده‌اند و (محقق نجفی، بی تا، ج ۴۲، ص ۴۶) معتقد است بر حکم این مسأله، علاوه بر احادیث، اجماع فقها نیز موجود است.

۴- دزد بعد از قطع دست و پایش در دفعه اول و دوم، برای سومین بار که دزدی کرد حبس ابد می‌شود و بر این مطلب چندین روایت دلالت دارد؛ از جمله: (کلینی، ۱۳۹۱ق، ج ۷، ص ۲۲۳)

با اسناد صحیح از نضر بن سوید از قاسم روایت کرده است که گفت از امام جعفر صادق(ع) پرسیدم: سألته عن رجل سرق فقال: سمعت ابي يقول: اتى علي(ع) في زمانه برجل قد سرق فقطع يده ثم اتى به ثانية فقطع رجله من خلاف ثم اتى به ثالثة فخلده في السجن و انفق عليه من بيت مال المسلمين و قال هكذا صنع رسول الله(ص) لاخالفة. درباره مردی که دزد کرده است، امام(ع) گفت، از پدرم شنیدم که می‌گفت، در زمان خلافت امیرالمؤمنین مردی به نزدش آورده شد که دزدی کرده بود، دستش را قطع کرد بار دوم همان شخص آورده شد که دزدی کرده بود، پایش را قطع کرد، سپس بار سوم برای دزدی آورده شد او را حبس ابد کرد و از بیت المال مسلمین برای او هزینه کرد و امام(ع) فرمود: پیامبر(ص) این طور عمل کرد و من با روش او مخالفت نمی‌کنم.

و باز (کلینی، ۱۳۹۱ق، ج ۷، ص ۲۲۲) به اسناد خود از زراره از امام محمد باقر(ع) درباره دزد روایت کرده که گفت: سألته ان هو سرق بعد قطع اليد و الرجل فقال: استودعه السجن ابدًا و اغنى الناس شره از امام(ع) درباره حکم دزد که بعد از قطع دست و پایش برای بار سوم دزدی کرده است پرسیدم امام(ع) فرمود: او را برای همیشه در زندان می‌گذارم و تبهکاری‌اش را از مردم باز می‌دارم.

فقهای امامیه طبق مضمون روایات مزبور فتوی داده‌اند و در این مسأله بین آنها هیچ مخالفی وجود ندارد (طیسی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۸). مجازات حبس ابد در موارد چهارگانه، قسمی از حدود اسلامی است، حکم زندان در موارد مزبور قطعی و غیر قابل تغییر است و حاکم مسلمین نسبت به تخفیف، تشدید یا تغییر آنها اختیار ندارد.

موارد دیگر زندان

۱- هنگامی که کفیل از حاضر کردن مکفول امتناع کند زندانی می‌شود و بر این مطلب دو روایت دلالت دارد:

الف: (کلینی، ۱۳۹۱ق، ج ۵۷، ص ۱۵) به سند موثق از عمار از امام صادق(ع) روایت کرده است که گفت: أتى اميرالمؤمنين صلوات الله عليه برجل تكفل بنفس رجل فحبسه فقال: اطلب صاحبك. مردی که به محضر امیرالمؤمنین آورده شد که کفالت مردی را قبول کرده بود. امیرالمؤمنین(ع) او را زندانی کرد به او گفت: رفیقت (کنایه از شخصی مکفول) را پیدا کن.

ب: (شیخ طوسی، ۱۴۰۱ق، ج ۶، ص ۲۰۹) به سند معتبر از اسحاق بن عمار از امام صادق(ع) از پدرش(ع) روایت کرده است که فرمود: ان علیا(ع) اتى برجل كفل برجل بعينه فاخذ بالمكفول فقال: احبسوه حتى يأتى بصاحبه، مردی به نزد امیرالمؤمنین آورده شد که عهده دار حضور

مردی دیگر شده بود، امیرالمؤمنین فرمود: او را زندانی کنید تا اینکه رفیقش را بیاورد. فقهاء امامیه طبق این دو روایت فتوی داده‌اند (طیسی، ۱۳۷۴، ص ۴۲۶).

۲- علمای فاسق زندانی می‌شوند.

۳- پزشکان جاهل زندانی می‌شوند.

۴- بدهکارانی که بدهی خود را به تأخیر می‌اندازند زندانی می‌شوند. در این باره حدیث احمد بن عبدالله برقی دلالت دارد زیرا (شیخ طوسی، ۱۴۰۱، ج ۶، ص ۳۱۹) از او روایت نموده است که حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرموده است: يجب علی الامام ان يحبس الفساق من العلماء و الجهال من الاطباء و المفاليس من الاكرياء. بر امام واجب است، علمای فاسق و اطبای جاهل و کسانی که در پرداخت بدهی به دیگران کوتاهی می‌ورزند زندانی کنند. (فیض کاشانی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۵۸) در توضیح جمله سوم گفته است: اکریای مفلس آنانی هستند که پرداخت بدهی خود به دیگران را به تأخیر می‌اندازند. بعضی از فقهاء مانند (یحیی بن سعید حلّی، ۱۴۵، ص ۵۶۸)، (محمد تقی مجلسی، ۱۳۹۸، ج ۶، ص ۹۰) و (سید گلپایگانی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۲۰۹) به مضمون این روایت فتوی داده‌اند.

تعمیم در موارد زندان

در این مقاله مواردی که زندان به عنوان حدّ و تعزیر نصّاً و فتوی وجود دارد، بیان شد. اما با الغای خصوصیت به تنقیح مناط قطعی می‌توان گفت که زندان به عنوان تعزیر به موارد مذکور در مقاله منحصر نیست و در ارتکاب تمامی معاصی، حبس تعزیری با رعایت شرایط جائز است زیرا تعزیر شرعاً عقوبت و اهانت است همانطوری که (شهید ثانی، ۱۴۱۹، ج ۱۴، ص ۳۲۶) گفته است: و ملاک تعزیر که اهانت و عقوبت است در زندان، موجود می‌باشد و زندان هم یکی از انواع عقوبت و مجازات است همانطوری که (حسینی عاملی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۸۶) تصریح کرده است و مقصود از تعزیر باز داشتن مجرم از گناه و اصلاح او و در امان ماندن افراد جامعه از تبهکاریش است هم چنانکه امام صادق (ع) در ذیل روایت عبدالله بن سنان درباره شخص دزد که زندانی می‌شود فرمود: كفّ عن الناس (از آزار به مردم باز داشته می‌شود) (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۶۶).

لذا جماعتی از فقهاء مانند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۳۲)، (علامه حلّی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۳۹)، (محمد تقی مجلسی، ۱۳۹۸، ج ۶، ص ۱۶۳) و (محقق نجفی، بی‌تا، ج ۴۳، ص ۱۷۵) معتقدند که زندان از انواع تعزیر است. بنابراین، می‌توان گفت که تعیین زندان در موارد مزبور به عنوان تعزیر خصوصیت انحصاری ندارد و با توجه به وجود ملاک تعزیر می‌توان آن را به دیگر موارد نیز سرایت داد لذا هرگاه حاکم اسلامی صلاح بداند می‌تواند مجرم را زندانی کند همانطوری که (محقق نجفی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۴۹) بدان تصریح کرده است و در زمان پیامبر اکرم (ص) و خلافت امیرالمؤمنین (ع) انواع

تعزیر مانند زدن، زندان، تبعید، جریمه مالی، اهانت، تحقیر و غیره اجرا می‌شده است (انصاری، ۱۳۸۵، ص ۳۱، ۳۹).

نتیجه

در نظام حقوقی اسلام مقررات کیفری برای افراد گناهکار وجود دارد و در بعضی معاصی برای مجازات تبهکار، زندان در نظر گرفته شده است. آنچه که از تفحص در نصوص اسلامی و آرای فقهای مسلمان به دست می‌آید. زندان بر سه نوع است:

- ۱- زندان گاهی اوقات، حلاً است و حاکم مسلمین نسبت به تخفیف و تشدید یا تغییر آنها هیچ اختیاری ندارد و موارد چهارگانه زندان ابد در امور جزائی از این نوع می‌باشد.
- ۲- زندان گاهی اوقات، تعزیر است که بیشتر موارد زندان که ۱۷ مورد می‌باشد از این نوع است.
- ۳- زندان گاهی اوقات نه حلاً است و نه تعزیر، بلکه زندان از باب احتیاط است که ۳ مورد است:

مورد اول متهم به قتل است که ۶ روز زندانی می‌شود تا وضعیت آن روشن شود مورد دوم بدهکاری که مدعی نداری است زندان می‌شود تا افلاس او روشن شود مورد سوم مردی که سرزنی را تراشیده است تا هنگامی که مو، نروئیده است زندانی می‌شود تا مقدار جنایت مشخص شود. پاره‌ای از موارد زندان در امور مالی است، برخی دیگر در امور جزایی است و بعضی دیگر در امور زناشویی است. اگر چه نصاً و فتوی در پاره‌ای از موارد، مجازات زندان به عنوان تعزیر وجود دارد اما با الغای خصوصیت به تنقیح مناط قطعی می‌توان گفت که در ارتکاب همه گناهان، حبس تعزیری با رعایت شرایط جائز است زیرا با توجه به وجود اهانت و عقوبت در زندان که ملاک تعزیر است می‌توان آن را به دیگر موارد نیز سرایت داد.

منابع و مآخذ

۱. ابن منظور محمد، (۱۴۱۹ق)، لسان العرب، بیروت: مؤسسه دار احیاء التراث العربی.
۲. انصاری، قدرت اله، محمدجواد انصاری، ابراهیم بهشتی، سید علی اکبر طباطبائی (۱۳۸۵)، تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزاء، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳. ابوغده، حسن، (۱۴۰۷ق)، احکام السجن و معامله السجناء فی الاسلام، کویت: مکتبه المنار.
۴. بهاء‌الدین عاملی، (شیخ بهائی) و نظام الدین ساوجی، (۱۳۱۹ق)، جامع عباسی، تهران: مؤسسه انتشارات فراهانی.
۵. بیهقی، احمد بن حسین، (۱۳۵۲ق)، السنن الکبری، حیدرآباد: دکن هند.
۶. جبعی عاملی، زین الدین [شهید ثانی]، بی تا، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (شرح لمعه) بیروت: دار العالم الاسلامی، بی تا.
۷. جبعی عاملی، زین الدین [شهید ثانی]، مسالک الافهام، (۱۴۱۹ق)، مؤسسه معارف اسلامیه.

۸. جهانگیر، منصور، (۱۳۷۷) تهران: قانون مجازات اسلامی، تهران، ۱۳۷۷، ه.ش، چاپ دوم.
۹. حسینی عاملی، محمد جواد، (بی تا)، *مفتاح الكرامة*، مؤسسه آل البيت.
۱۰. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، (۱۴۱۱ ه.ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۳ ق)، *وسائل الشیعه*، تهران: مکتبه اسلامیة.
۱۲. حلّی، حسن بن مطهر، (علامه حلّی) (بی تا) *تحریر الاحکام*، مشهد: مؤسسه آل البيت.
۱۳. حلّی، یحیی بن سعید، (۱۴۰۵ ق)، *الجامع للشرایع*، بی تا قم: مؤسسه سید الشهداء.
۱۴. خمینی، سید روح الله (امام خمینی)، (بی تا)، *تحریر الوسیله*، قم: مؤسسه دارالعلم.
۱۵. دانش، تاج زمان، (۱۳۳۸ ه.ش)، *حقوق زندانیان و علم زندانها*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، *لغت نامه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. سبحانی، جعفر، (۱۴۰۱ ق)، *معالم الحکومة الاسلامیة*، اصفهان: مکتبه امام امیرالمؤمنین.
۱۸. سجادی، سیدجعفر، (۱۳۴۴)، *فرهنگ علوم*، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
۱۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۰۴ ق)، *من لایحضره الفقیه*، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۲۰. طائی، یحیی، (۱۳۸۱) *التعزیر فی الفقه الاسلامی*، قم: بوستان کتاب.
۲۱. طباطبائی، سیدعلی [سید طباطبائی]، (بی تا)، *ریاض المسائل*، مؤسسه آل البيت، قم.
۲۲. طبسی، نجم الدین، (۱۳۷۴)، *موارد السجن فی النصوص و الفتاوی*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، (شیخ طوسی)، (۱۴۱۲ ق)، *النهایه*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، (۱۳۸۷ ق)، *المبسوط فی فقه الامامیة*، تهران: مکتبه مرتضویه.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، (۱۴۰۱)، *تهذیب الاحکام*، بیروت: دار صعب و دار التعارف.
۲۶. صنعانی، عبدالرزاق، (۱۴۰۳ ق)، *المصنف*، بیروت: نشر مکتب الاسلامی.
۲۷. فاضل هندی، محمد بن حسن، (۱۴۰۵ ق)، *کشف اللثام عن قواعد الاحکام*، قم: مکتبه آیه مرعشی.
۲۸. فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ ق)، *المصباح المنیر*، قم: مؤسسه دار الهجرة.
۲۹. فیض کاشانی، محسن، (۱۴۰۴ ق)، *الوافی*، قم: مکتبه آیه الله مرعشی.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۹۱ ق)، *فروع الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
۳۱. گلپایگانی، سید محمد رضا، (سید گلپایگانی)، (۱۴۰۶ ق)، *مجمع المسائل*، قم: مؤسسه دار القرآن الکریم.
۳۲. مجلسی، محمد باقر، (۱۳۷۵)، *حدود و دیات و قصاص*، قم: نشر آثار اسلامی.
۳۳. مجلسی، محمد تقی، (۱۳۹۸)، *روضه المتقین*، قم: نشر بنیاد فرهنگ اسلامی.
۳۴. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، (۱۴۱۶ ه.ق)، *مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام*، قم: نشر مؤسسه المنار.
۳۵. موسوی خوئی، سیدابوالقاسم، (محقق خوئی)، (۱۴۲۲ ه.ق)، *مبانی تکملة المنهاج*، قم: مؤسسه احیاء آثار امام خوئی.
۳۶. نجفی، محمد حسن (محقق نجفی)، (بی تا)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۷. هندی، علاء الدین متقی بن حسام الدین، (۱۴۰۹ ه.ق)، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت: مؤسسه الرساله.